

Examining the Empowerment of Justice in Saadi's Garden Based on Martin Seligman's Theory

Naime Omde ghyasi¹, Kamran Pashaei Fakhre²•, Parvaneh Adelzade³

1. Ph.D. Candidate Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2 ● . *Profressor Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

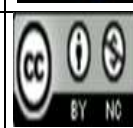
3. Proffesor Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran



Home Page: <https://sanad.iau.ir/journal/cp>

URL: <https://sanad.iau.ir/Journal/cp/Article/1209089>

DOI:



Article Information

ABSTRACT

Article History:

Received: 2025/06/07

Accepted; 2025/07/02

Published: 2025/07/03

Article Type:

Research Article

Subject Area:

Psychology of Literature

● **Corresponding Author:**

Kamran Pashaei Fakhre

E-mail:

pashaei@iat.ac.ir

ORCID:

6333-414. . . 3- . . .

Positive psychology is one of the newest trends in psychology that focuses on unique human capabilities and values to improve the quality of life. One of these capabilities, which is also the subject of the research, is the ability of justice, which has the virtues of fairness, equality, citizenship, loyalty, and leadership. One of the poets who has addressed these issues in his works is Saadi Shirazi. Saadi's Garden has virtues and capabilities, the recognition of which can have a significant impact on showing the capabilities of the virtue of justice. Accordingly, the purpose of this research is to investigate the ability of justice in Saadi's Garden from the perspective of Martin Seligman's six-fold theory. The present research was conducted using a descriptive-analytical method and was conducted in line with the research goal of investigating justice in Saadi's Garden, corrected by Gholamhossein Yousefi. The results show that many modern sciences, whose roots are sought in the nascent Western civilization, existed centuries ago in the treasury of Iranian-Islamic culture. According to Seligman's perspective, the capabilities of the virtue of justice in Saadi's Garden include: fairness, equality, citizenship, loyalty, and leadership. Keywords: Saadi's Garden, Martin Seligman, positive psychology, virtue of justice.

Citation This Paper: Omde ghyasi, Naime., Pashaei Fakhre, Kamran., & Adelzade, Parvaneh. (2025). Examining the Empowerment of Justice in Saadi's Garden Based on Martin Seligman's Theory. *Quareterly of Communicatons Psychology*, 2(3), pp. 89-106. [In Persian]

   			
بررسی توانمندی عدالت در بوستان سعدی براساس نظریه مارتین سلیگمن			
نعمیه عمده غیائی ^۱ ، کامران پاشایی فخری ^{۲*} ، پروانه عادل زاده ^۳			
۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. ۲. استاد تمام گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. ۳. استاد تمام گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.			
 	Home Page: https://sanad.iau.ir/journal/cp		
 	URL: https://sanad.iau.ir/Journal/cp/Article/1209089		
DOI:			
چکیده		اطلاعات مقاله	
روانشناسی مثبت گرا یکی از جدیدترین گرایش های علم روان شناسی که با تمرکز بر توانمندی ها و ارزش های منحصر به فرد انسانی به دنبال بهبود کیفیت زندگی است. یکی از این توانمندی ها که موضوع پژوهش نیز می باشد توانمندی عدالت است که دارای فضیلت های انصاف، برابری، شهروندی، وفاداری و رهبری است. یکی از شاعرانی که در آثار خود به این موضوعات پرداخته، سعدی شیرازی است. بوستان سعدی دارای فضایل و قابلیت هایی است که شناخت آن ها می تواند در نشان دادن توانمندی های فضیلت عدالت تأثیر بسزایی داشته باشد. براین اساس هدف از این پژوهش بررسی توانمندی عدالت در بوستان سعدی از دیدگاه نظریه شش گانه مارتین سلیگمن است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و در راستای هدف پژوهش به بررسی عدالت در بوستان سعدی به تصحیح غلامحسین یوسفی انجام گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می دهد، بسیاری از دانش های مدرن که ریشه آن در تمدن نوپای غرب جستجو می شود، قرن ها پیش در گنجینه فرهنگ ایرانی-اسلامی موجود بوده است. با توجه به دیدگاه سلیگمن، توانمندی های فضیلت عدالت در بوستان سعدی شامل: انصاف، برابری، شهروندی، وفاداری و رهبری است. واژگان کلیدی: بوستان سعدی، مارتین سلیگمن، روان شناسی مثبت نگر، فضیلت عدالت.		تاریخ های مقاله:	
		تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷	
		تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱	
		تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۲	
		نوع مقاله:	
		مقاله پژوهشی	
حوزه موضوعی:			
روانشناسی ادبیات			
● نویسنده مسئول:			
کامران پاشایی فخری			
رایانامه:			
pashaei@iat.ac.ir			
ارکید:			
۶۳۳۳-۴۱۴۰-۰۰۰۳-۰۰۰۰			
شاپا الکترونیکی: ۳۰۹۲-۶۴۴۰		شاپا: ۳۰۹۲-۶۴۳۲	
ناشر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی			
استناد به این مقاله: عمده غیائی، نعمیه. پاشایی فخری، کامران، و عادل زاده، پروانه. (۱۴۰۴). بررسی توانمندی عدالت در بوستان سعدی براساس نظریه مارتین سلیگمن. فصلنامه روانشناسی ارتباطات، ۲(۳)، صص. ۸۹-۱۰۶.			

مقدمه

پیوند ادبیات و روان‌شناسی افق‌های جدیدی پیش- روی محققان ادبیات گشوده است. پژوهشگر تمایل دارد تا آثار ادبی را که در وهله اول محصول تفکر و ذهنیت یک شاعر یا نویسنده است مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و دریابد یک اثر ادبی به عنوان یک فرایند هنری، علاوه بر لذت روحی که به انسان می- بخشد، چه برآیندهای دیگری دارد و چه آگاهی‌هایی می‌تواند به مخاطبان‌ش عرضه کند؟

هم‌چنین نقد و تحلیل روان‌شناسانه آثار ادبی کمک می‌کند، راهکارها و شیوه‌های اندیشه‌مندان و ادیبان درباره رشد اخلاقی و اجتماعی انسان بهتر شناخته شود. زیرا آثار ادبی سهم بسزایی در توزیع و ترویج هنجارها و ارزش‌ها و رفع ناهنجارها و ضد ارزش‌ها ایفا می‌کند.

در سال‌های گذشته، متون ادبی از منظر نظریه فروید^۱ و یونگ^۲، بسیار مورد واکاوی قرار گرفته است و تقریباً کمتر از دو دهه است که آثار ادبی از نگاه روان‌شناسی مثبت‌نگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجایی که روان‌شناسی مثبت‌نگر، شاخه‌ای جدید از علم روان‌شناسی است، ضروری به نظر می‌رسد با نگاهی نو و دقیق، بین آثار گذشتگان و علم جدید روان‌شناسی مثبت‌نگر، پلی زده شود تا از زاویه‌ای تازه، بتوان به آثار ادبی نگاه کرد. در پهنه ادبیات تعلیمی، سعدی شیرازی یکی از قله‌های رفیع این حوزه ادبی است. بوستان سعدی از دیدگاه روان- شناسی مثبت‌نگر قابل بررسی است. بنابراین با بررسی اجمالی بوستان سعدی به سهولت می‌توان به درستی

این امر پی برد. سعدی در آفرینش بوستان، شاعری بی‌همتا می‌باشد که بارها از کلمات عشق، مهربانی، هوش اجتماعی استفاده نموده است و شاد زیستن و انسانیت در تمام لحظات زندگی خوب را فلسفه آفرینش می‌داند. مسأله اصلی پژوهش پیش رو آن است که سعدی در بوستان به منظور ترسیم زندگی خوب چگونه از توانمندی عدالت بهره برده است؟

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌ها و تحقیقات بسیاری با موضوع بررسی افکار و آراء و اندیشه‌های سعدی در بوستان و موضوع روان‌شناسی مثبت‌نگر سلینگمن^۳ انجام شده است؛ اما در خصوص ظرفیت‌های سازنده و مثبت در بوستان سعدی در خصوص مؤلفه‌ها و گزاره‌های زندگی خوب تاکنون پژوهشی انجام نشده است.

اسداللهی و برزگر ماهر (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تفکر مثبت در منطق الطیر عطار با تاکید بر الگوی مارتین سلینگمن شش مؤلفه خرد، شجاعت، اعتدال، فعالیت‌های اجتماعی و تعالی در نظریه سلینگمن را در منطق الطیر عطار تحلیل نموده و نتیجه گرفته‌اند که منطق الطیر در لایه‌های درونی و روانی متن در برگیرنده مؤلفه‌های برجسته‌ای از تفکر مثبت منطبق با آراء و نظریات مارتین سلینگمن است.

عمده غیاثی و همکاران (۱۴۰۳) در «مقاله‌ای با عنوان «بررسی جلوه‌ها و مضامین تمثیلی زندگی خوب بر اساس دیدگاه مارتین سلینگمن در بوستان و گلستان» بر اساس تمثیل‌های موجود در دو اثر برجسته سعدی یعنی بوستان و گلستان نتیجه گرفته‌اند که شخصیت‌های داستانی در این دو اثر و

^۱ Jung^۲ Seligman^۳ Freud

تمثیل‌های آن روحیات مثبت‌نگر، امیدوار به آینده شاد و مستقلى دارند که همسو و هم جهت با نظریه مارتین سلیگمن است. وجه تفاوت این پژوهش با جستار پیش رو آن است که در مقاله یاد شده به بررسی و تحلیل مضامین تمثیلی در برخی از داستان‌های گلستان و بوستان پرداخته شده و به ذکر نمونه‌های اکتفا شده است.

کیانپور و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی و تحلیل مفهوم رضایت از زندگی در گلستان سعدی با تکیه بر روان‌شناسی مثبت‌نگر سلیگمن» اثبات

روش پژوهش

این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتاب‌خانه‌ای و روش سندکاوی بر اساس نقد روان‌شناسی مثبت‌نگر از مارتین سلیگمن در بوستان سعدی انجام شده است. در این جستار سعی نموده‌ایم تا با تکیه بر اصل عدالت، مؤلفه‌های زندگی خوب از نظرگاه سلیگمن و سایر اندیشه‌مندان که در تکمیل و توزیع آراء سلیگمن به تبیین و شرح این نظریه پرداخته‌اند بهره بگیریم و مصادیق و مؤلفه‌های مورد نظر را در بوستان سعدی مورد ارزیابی قرار دهیم و شواهد مثال را در حد گنجایش و حجم مقاله، ارائه نموده‌ایم.

چهارچوب نظری

فضیلت عدالت

«شامل نیروهایی است که به تعامل مطلوب بین فرد و گروه یا اجتماع کمک می‌کند. مشابه انسانیت است با این تفاوت که انسانیت به روابط فردی (فرد-فرد) ولی عدالت به روابط بین فرد با افراد اشاره دارد در واقع وقتی گروه کوچک‌تر و شخصی‌تر می‌شود، انسانیت مطرح می‌شود.» (پترسون و سلیگمن، ۱۳۹۵، ص ۲۷۲)

انصاف

کرده‌اند که تعالیم اخلاقی از جمله رضا به مقدرات، صبر، قناعت، شکر و قدردانی از نظرگاه سعدی مهم-ترین مؤلفه‌هایی هستند که زندگی مطلوب را شکل می‌دهند.

با توجه به تحقیقات انجام شده، موضوع پژوهش که بررسی زندگی خوب در آثار سعدی براساس دیدگاه مارتین سلیگمن می‌باشد، تاکنون تحقیقی دانشگاهی انجام نگرفته است، لذا از این حیث موضوع پژوهش بدیع و بکر می‌باشد.

انصاف شامل رفتار با همه، مطابق آرمان‌های جهانی است. «در صورتی که انصاف یکی از توانمندی‌های برتر شماسست، به طور کلی اجازه نمی‌دهید احساسات شخصی‌تان تصمیم‌های اخلاقی یا نیک شما درباره دیگران را با سوگیری همراه سازد و در عوض به مجموعه گسترده‌ای از معیارهای اخلاقی متکی می‌مانید.» (سلیگمن، ۱۳۸۸، ص ۲۰۵)

رهبری

رهبری فرایند ایجاد انگیزه، هدایت و هماهنگی اعضای گروه برای دستیابی به هدفی مشترک است. اگر رهبری یکی از توانمندی‌های برتر شماسست در تعامل اجتماعی نقش مهم بر عهده دارید، با این حال، رهبری موثر هم‌چنین نیازمند گوش دادن به نظریات و احساسات دیگر اعضای گروه، به همان اندازه هدایت فعالیت‌هاست. به عنوان یک رهبر می‌توانید به گروه خود در دستیابی به اهداف، به شکلی منسجم، کارآمد و دوستانه کمک کنید.» (سلیگمن، ۱۴۰۰، ص ۵۸)

شهروندی و کارگروهي

توانمندی منش شهروندی که بدان کارگروهي نیز گفته می‌شود، شامل کار کردن به عنوان یکی از اعضای گروه برای منافع مشترک است. «اگر این یکی از توانمندی‌های برتر شماسست، به احتمال زیاد مایلید

برای منافع مشترک گروه‌هایی که در آن‌ها مشارکت دارید، هم‌چون محله، گروه مذهبی، همسالان در مدرسه، شبکه‌های حرفه‌ای و محافل فرهنگی فداکاری کنید. این گروه‌ها و واحدها منابع هویت شما را تشکیل می‌دهد در صورتی که شهروندی و کارگروهی در میان توانمندی‌های برتر شما باشند، با انجام دادن مسئولیت‌های مدنی خود به آن‌ها یا به فراتر از آن‌ها دست می‌یابید.» (کار، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳)

توانمندی‌هایی که زیربنای زندگی اجتماعی سالم هستند	فضیلت عدالت
ترغیب گروهی که فرد عضو آن است برای انجام دادن کارها و هم‌زمان حفظ روابط خوب در گروه، سازمان‌دهی فعالیت‌های گروه تا رسیدن به هدفی مشترک	رهبری
با همه مردم براساس مفاهیم انصاف و عدالت رفتار کردن، جلوگیری از تأثیرگذاری احساسات شخصی بر تصمیم‌گیری در مورد دیگران، دادن فرصت عادلانه به همه	عدل و انصاف
وفادار بودن به گروه، انجام دادن سهم خود، خوب کار کردن به عنوان عضوی از یک گروه یا تیم	الف- کار گروهی

بحث

است. رهبری برقراری سمت و سو و تأثیر گذاشتن بر دیگری است که آن جهت را تعقیب نمایند. رهبران افرادی هستند که با اعمال‌شان، حرکت گروه‌های مردمی به سمت هدف مشترک را آسان می‌نمایند، یعنی رهبری یک فرایند تأثیرگذار است.

انصاف در این‌جا به معنی مساوات و برقراری عدالت و برابری در میان آحاد جامعه و تربیت یکسان دیگران بر اساس اعتقاد به انصاف و عدالت است. سعدی در بوستان این صفت را به پادشاه عادل نسبت می‌دهد.

که در ملک‌رانی به انصاف زیست»

(همان: ۱۵۶)

را از ویژگی‌های بارز رهبران موفق می‌داند و حتی آن را عامل تاج‌داری پادشاهان می‌داند.

به فرزانی تاج بردند و تخت»

(همان: ۱۷۳)

توانمندی‌های عدالت شامل: عدل، انصاف و رهبری، کارگروهی می‌باشد.

۱- انصاف، رهبری

انصاف شامل رفتار با همه مطابق آرمان‌های جهانی درباره برابری و عدالت است. برای استفاده متعادل از انصاف، به شماری از توانمندی‌ها هم‌چون رهبری، شهروندی، مهربانی و غیره نیاز است که فرد را قادر می‌سازد انصاف را به راحتی اجرا کند. رهبری، توانایی تأثیرگذاری و نفوذ در دیگران برای انجام وظایف «از آن بهره‌ورتر در آفاق کیست؟»

رهبری عبارت است از سازماندهی فعالیت‌های گروهی و نظارت بر انجام کار آن‌ها، این امر محقق نمی‌شود مگر با خردورزی و فرزانی. سعدی فرزانی

«بزرگان روشن‌دل نیک‌بخت

نرم‌خویی و شکیبایی، نرمش و بردباری از دیگر صفات رهبر مملکت بر شمرده شده است.

«خداوند فرمان و رأی و شکوه
 ز غوغای مردم نگرده ستوه
 سر پر غرور از تحمل تهی
 حرامش بود تاج شاهنشهی
 نگویم چو جنگ آوری پای دار
 چو خشم آوری عقل بر پای دار
 چو لشکر برون تاخت خشم از کمین
 نه انصاف ماند نه تقوی نه دین»

(همان: ۱۶۳)

باید دانست که تفرقه در سپاه دشمن، نوید پیروزی است. بنابراین، در ایجاد و تشدید آن باید کوشید.

«چو در لشکر دشمن افتد خلاف
 تو بگذار شمشیر خود در غلاف
 چو دشمن به دشمن بود مشغول
 تو با دوست بنشین به آرام دل
 پشه چو پر شد بزند پیل را
 با همه تندی و صلابت که اوست
 مورچگان را چو بود اتفاق
 شیر ژیان را بدراندن پوست»

(همان: ۱۸۸)

در مقابل، تفرقه سپاه دشمن، باید به اتحاد سپاه خود
 اندیشید. سعدی در مورد شخصیت منفی پادشاهان،
 حکایت درویش مستجاب‌الدعوه و حجاج یوسف را
 آورده است.
 درویشی مستجاب‌الدعوه در بغداد پدید آمد. حجاج
 یوسف را خبر کردند، بخواندش و گفت: دعای خیری
 بر من بکن! گفت: خدایا! جانم بستان! گفت: از بهر
 خدای این چه دعاست! گفت: این دعای خیر است تو
 را و جمله مسلمانان را!

«ای زبردست زبردست آزار
 گرم تا کی بماند این بازار؟

به چه کار آیدت جهان‌داری؟

مردنت به که مردم‌آزاری؟

(همان: ۳۱)

حجاج یوسف نمونه بارز شخصیت منفی است که عشق به قدرت دارد و درویش مستجاب‌الدعوه نمونه افراد ناتوانی است که از دست اهل قدرت به ستوه آمده است. سعدی در این حکایت این نوع از افراد اهل قدرت را به معارضة می‌گیرد و با نوشداروی پندآمیز سخنان شه‌آمیز خود، نه تنها آن‌ها را شایسته فرمانروایی نمی‌داند، بلکه مرگ آن‌ها را شایسته‌تر از زنده بودن و آزار مردم می‌داند.

سعدی در حکایت «ملک بیدادپیشه و وزیر ناصح»، نیز به این مورد اشاره کرده است. «یکی از پادشاهان عجم دست ستم به مال مردم دراز کرده بود، تا این‌که مردم از جور او به ستوه می‌آیند و ترک بلاد می‌کنند. با کم شدن مردم عایدات مملکت نیز رو به کاستی رفت و خزانه خالی ماند. روزی در مجلس او از فروپاشی پادشاهی ضحاک و قدرت یافتن فریدون،

شاهنامه می‌خواندند. از وزیر خود سبب دستیابی فریدون به فرمانروایی را بدون خدم و حشم باز می‌جوید. وزیر پاسخ داد: علت گرد گشتن مردم بر او بوده است که به پادشاهی رسیده است. در ادامه وزیر با خیرخواهی از پادشاه می‌پرسد: اگر اندیشه پادشاهی کردن داری چرا مردم را آزرده و از خود دور می‌کنی؟ پس باید راه بخشش را در پیش بگیری تا مردم در پناه حکومت تو آرام بگیرند. این سخن وزیر، پادشاه را عصبانی کرد و وزیر را به زندان افکند. تا این‌که پس از چندی، عموزاده‌های او همراه با مردم به دشمنی با پادشاه قیام کردند و او را از تخت پایین کشیدند.» (همان: ۶۴)

سعدی در حکایت‌های «درویش صادق و پادشاه بیدادگر»، «ملک بیدادپیشه و وزیر ناصح» و «پرشش از اسکندر رومی» به این موضوع پرداخته است.

«شنیدم که خسرو بشیرویه گفت

در آن دم که چشمش ز دیدن بخت

بر آن باش تا هر چه نیت کنی

نظر در صلاح رعیت کنی

الا تا نیچی سر از عدل و رای

که مردم ز دستت نیچند پای

گریزد رعیت ز بیدادگر

کند نام زشتش به گیتی سمر

بسی برنیاید که بنیاد خود

بکند آن‌که بنهاد بنیاد بد

نه چندان که دود دل طفل و زن

خرابی کند مرد شمشیرزن

بسی دیده باشی که شهری بسوخت

چراغی که بیوه‌زنی بفروخت

که در ملکرانی به انصاف زیست»

از آن بهره‌ورتر در آفاق کیست

(همان: ۱۵۶)

نمایان است و نشان‌دهنده تحولات و وقایع متفاوتی است که تا اکنون ادامه دارد. پادشاهان در تمام لحظات از خوشی و لذت بهره‌مند بودند، اما در نهایت همه چیز به پایان رسید و آن را ترک کردند. اشاره به عدالت و انصاف دارد.

این جمله به تصویر کشیدن یک وضعیت و تغییرات زمانی اشاره دارد. سعدی درباره تأثیرات و تغییرات ناشی از نسل‌ها و دوره‌های مختلف صحبت می‌کند. پس از گذشت زمان و به‌ویژه پس از یک‌سری پیمان‌ها و عهدها، دگرگونی‌هایی در اوضاع و احوال به وجود آمده است. این تغییرات به‌وضوح در تاریخ

مکن نام نیک بزرگان نهان

«چو خواهی که نامت بود جاودان

که دیدی پس از عهد شاهان پیش

همین نقش بر خوان پس از عهد خویش

به آخر برفتند و بگذاشتند

همین کام و ناز و طرب داشتند

یکی رسم بد ماند ازو جاودان»

یکی نام نیکو برد از جهان

(همان: ۱۵۸)

ای مظهر قدرت، بر کهن‌ترها جفا نکن، زیرا جهان همیشه در حال تغییر و نوآوری است و هم‌چنان در یک مسیر ثابت نمی‌ماند.

که بر یک نمط می‌نماید جهان

«مها زورمندی مکن با کهان

که گر دست یابد برآیی به هیچ

سر پنجه ناتوان بر مپیچ

عدو را به کوچک نباید شمرد

که کوه کلان دیدم از سنگ خرد»

(همان: ۱۶۹)

از نظر سعدی، رهبری در دستان افرادی ناپسند است که در عمل و کردار خود وابسته به قدرت الهی نیستند و فقط به دست‌های انسان‌ها تکیه دارند.

«ریاست به دست که از دست‌شان دست‌ها
کسانی خطاست بر خداست»

(همان: ۱۵۶)

سعدی می‌گوید وقتی لشکری به حمله در می‌آید، دیگر نه انصاف برقرار می‌ماند، نه تقوا و نه دیانت.

«چو لشکر برون نه انصاف ماند نه تقوی نه
تاخت خشم از کمین دین»

(همان: ۱۶۳)

۲- شهروندی (خویش‌داری، روابط با دیگران، ساده‌زیستی، کار گروهی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نظم‌بخشی به زندگی، وفاداری، وفاق با دیگران)

«بیاموز فرزندی را دست‌رنج
مکن تکیه بر دستگاهی که هست
به پایان رسد کیسه سیم و زر

وگر دست داری چو قارون به گنج
که باشد که نعمت نباشد به دست
نگردد تهی کیسه پیشه‌ور»

(همان: ۳۱۴)

یکی از فواید مسئولیت‌پذیری اجتماعی خویش‌داری و وفاق با دیگران است.

«کسی خوش‌تر از خویش‌دار نیست که با خوب و زشت کسش کار نیست»

(همان: ۲۶۵)

سعدی در حکایت «ملک‌زاده و همنشین بی‌تدبیر» بیان می‌کند که ملک‌زاده‌ای بعد از مرگ پدر میراث فراوانی به او رسیده است، حس مسئولیت‌پذیری و شرافت این ملک‌زاده نیک‌نژاد او را بر این می‌دارد تا از این نعمت برای بهره‌رعیایا زر و سیمی نیز بستاند، اما رفتار با اصالت و بزرگ‌منشانه ملک‌زاده موجب

می‌شود تا از سخنان مصاحب خود روی در هم کشد و او را توبیخ کند و در عمل به او یادآور می‌شود که مقام پادشاهی او از خداوند متعال بوده است که او را برای بهره‌مندی توأم از این بخشش بدین مقام رسانده است؛ سرانجام زراندوزی را این‌گونه بیان می‌کند.

«قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت

نوشیروان نمرود که نام نکو گذاشت»

(همان: ۳۷)

در این حکایت سیاست و عدالت مکمل هم هستند. در باب اول بوستان، در حکایتی پندآمیز، از زبان انوشیروان به هرمز چنین گوید که برای پاسداشت عدالت باید حال درویش را رعایت کند و پس از آن به نیازمندان و دورافتادگان و مردم و سایر قشرهای اجتماعی می‌پردازد. سلطان و رعیت را به منزله

درخت و ریشه آن می‌داند که آزردن رعیت سبب ریشه‌کنی پادشاهی است و دوام و پایداری درخت تنها با ریشه (رعیت) است. او سفارش می‌کند کسی که دل مردم را ویران می‌کند، هیچ‌گاه کشور خود را آباد نخواهد دید.

«شنیدم که در وقت نزع روان
که خاطر نگه دار درویش باش
نیاساید اندر دیار تو کس
رعیت چو بیخ‌اند و سلطان درخت
مکن تا توانی دل خلق ریش
ز مستکبران دلاور بترس
دگر کشور آباد بیند به خواب

به هرمز چنین گفت نوشیروان
نه در بند آسایش خویش باش
چو آسایش خویش جویی و بس
درخت ای پسر، باشد از بیخ سخت
وگر می‌کنی می‌کنی بیخ خویش
از آن کو نترسد ز داور، بترس
که دارد دل اهل کشور خراب»

(همان: ۱۵۵)

خویش‌داری، روابط با دیگران، ساده زیستی، توانایی سازمان‌دهی، مسئولیت‌پذیری، در این شعر سعدی به روشنی نمایان است.

شخصیت‌های اصلی و برجسته حکایت‌های بوستان، بر ساده‌زیستی و ضرورت پرهیز از تجمل‌گرایی تأکید می‌کند.

در باب اول «در معنی شفقت بر حال رعیت» آمده است، سعدی از زبان پادشاه به عنوان یکی از

قبا داشتی هر دو روی آستر
ز دیبای چین قبایی بدوز
وز این بگذری زیب و آرایش است
که زینت کنم بر خود و تخت و تاج»

(همان: ۱۶۴)

«شنیدم که فرماندهی دادگر
یکی گفتش ای خسرو نیک‌روز
بگفت این قدر ستر و آسایش است
نه از بهر آن می‌ستانم خراج

تو را هست، بط را ز طوفان چه باک؟»

«گر از نیستی دیگری شد هلاک

(همان: ۱۷۰)

نیست اگر فردی در ناز و نعمت زندگی می‌کند، نسبت به مشکلات هم‌نوعان خود بی‌تفاوت باشد.
که هرگز نیارد گز انگور بار»

(همان: ۱۷۴)

آسایش مردم برای او از ثروت شخصی مهم‌تر است و نمی‌خواهد که آسایش خود را بر غم دیگران بنا کند. داستان هم‌چنین تصریح می‌کند که اگرچه ممکن است بعضی از بزرگان در آرامش زندگی کنند، اما نباید فراموش کرد که خوش‌حالی و آسایش همگان در اولویت قرار دارد و این اصل در زندگی باید مورد توجه قرار گیرد.

سعدی تأکید بر ساده‌زیستی، روابط خوب با دیگران، خویشتن‌داری، مسئولیت‌پذیری، وفاق با دیگران دارد.

حکایت کند ز ابن عبدالعزیز
فرو مانده در قیمتش جوهری
دری بود از روشنایی چو روز
که شد به در سیمای مردم هلال
خود آسوده بودن مروت ندید
کی‌اش بگذرد آب نوشین به حلق؟
که رحم آمدش بر غریب و یتیم
به درویش و مسکین و محتاج داد
که دیگر به دست نیاید چنان
فرو می‌دویدش به عارض چو شمع
دل شهری از ناتوانی فکار
نشاید دل خلقی اندوهگین
گزیند بر آرایش خویشتن
به شادی خویش از غم دیگران»

(همان: ۱۶۶)

پیام تعلیمی سعدی در این حکایت آن است که مشکلات انسان‌ها به یک‌دیگر مربوط است و شایسته «اگر بد کنی چشم نیکی مدار

یکی از بزرگان اهل تمیز داستانی از ابن عبدالعزیز را روایت می‌کند. ابن عبدالعزیز انگشتی گرانبها با نگین ارزشمندی داشت که در شب، به دلیل خشکسالی و مشکلات مردم، تصمیم می‌گیرد که انگشت را بفروشد و حاصل آن را به فقرا و یتیمان بدهد. او پس از یک هفته تمامی پول را به نیازمندان می‌بخشد و مورد ملامت دیگران قرار می‌گیرد که چنین چیزی را فروخته است. ابن عبدالعزیز در پاسخ می‌گوید که

«یکی از بزرگان اهل تمیز
که بودش نگینی در انگشتی
به شب گفتمی از جرم گیتی‌فروز
قضا را درآمد یکی خشکسال
چو در مردم آرام و قوت ندید
چو بیند کسی زهر در کام خلق
بفرمود و بفروختندش به سیم
به یک هفته نقدش به تاراج داد
فتادند در وی ملامت‌کنان
شنیدم که می‌گفت و باران دمع
که زشت است پیرایه بر شهریار
مرا شاید انگشتی بی‌نگین
خنک آن‌که آسایش مرد و زن
نکردند رغبت هنرپروران

سعدی بر این باور است که اخلاق باعث قوام اجتماع می‌شود.

«به اخلاق با هر که بینی بساز

اگر زبردست است و گر سرفراز»

(همان: ۲۳۳)

هم‌چنین وی در تبیین این مسأله، در جای دیگر بوستان چنین می‌گوید.

«چنان زی که ذکرت به تحسین کنند

چو مردی نه بر گور نفرین کنند»

(همان: ۱۸۳)

سعدی داستانی درباره یک راز که میان دو نفر گفته شده را بیان می‌کند، رازی که به سرعت در سراسر جهان منتشر می‌شود. به دنبال این انتشار، فرمانی برای کشتن غلامان صادر می‌شود که در واقع به خاطر افشای آن راز، بلا بر سر آن‌ها می‌آید. سعدی به عبرت‌هایی که از این داستان می‌توان گرفت، اشاره می‌کند: اولین فراخوانی او به این است که انسان‌ها

«تکش با غلامان یکی راز گفت

به یک سالش آمد ز دل بر دهان

بفرمود جلاد را بی‌دریغ

یکی ز آن میان گفت و زنه‌ار خواست

تو اول نبستی که سرچشمه بود

تو پیدا مکن راز دل بر کسی

جواهر به گنجینه‌داران سپار

سخن تا نگوئی برو دست هست

سخن دیو بندست در چاه دل

توان باز دادن زه نره دیو

تو دانی که چون دیو رفت از قفس

یکی طفل بردارد از رخس بند

نباید رازهای خود را به راحتی فاش کنند، زیرا عواقب بدی در پی خواهد داشت و باید خویش‌ن‌دار بود. سعدی از اهمیت روابط با دیگران، وفاق با دیگران، خویش‌ن‌داری سخن گفته است. سعدی بر اهمیت روابط خوب با دیگران، خویش‌ن‌داری، مسئولیت-پذیری، وفاق با دیگران دارد.

که این را نباید به کس باز گفت

به یک روز شد منتشر در جهان

که بردار سرهای اینان به تیغ

مکش بندگان کاین گناه از تو خاست

چو سیلاب شد پیش بستن چه سود

که او خود بگوید بر هر کسی

ولی راز را خویش‌ن‌پاس دار

چو گفته شود یابد او بر تو دست

به بالای کام و زبانش مهل

ولی باز نتوان گرفتن به ریو

نیاید بلاحول کس باز پس

نیاید به صد رستم اندر کمند»

(همان: ۲۶۲)

سعدی اشاره به خویش‌ن‌داری و سنجیده سخن گفتن با دیگران دارد. حسن رفتار و احترام به دیگران باید از خودمان آغاز شود؛ هر فرد باید به اندازه‌ای که برای خود ارزش قائل است، برای دیگران هم ارزش و احترام قائل باشد. سعدی اشاره بر روابط خوب با

دیگران، خویش‌ن‌داری، مسئولیت‌پذیری، وفاق با دیگران دارد.

«مگو آن که گر وجودی از آن در	«کسی خوش‌تر از که با خوب و زشت
بر ملا اوفتد	خویشان‌دار نیست
به دهقان نادان چه	تو را دیده در دهان جای گفتار و دل
خوش‌گفت زن	نهادند و گوش
مگوی آنچه طاقت	مگر باز دانی
نداری شنود	نگویی که این کوتاه‌ا-
چه نیکو ز دست این	نشیب از فراز
بود حرمت هرکس از	ست آن دراز»
مثل برهمن	(همان: ۲۶۵)

۳- عدل، عدالت‌طلبی

سلیگمن معتقد است که انسان برای رسیدن به کمال روحی و فکری باید روحیه عدالت‌جویی داشته باشد. عدالت‌طلبی از مولفه‌های اجتماعی است و ثمره آن برقراری قانون و تمکین در برابر آن است. سعدی عدالت را آن قدر مهم می‌داند که اولین باب بوستان خود را که طولانی‌ترین باب دهم است، به آن اختصاص داده است. او در باب عدل آرزو می‌کند که در آینده در جهان، عدل بر پا شود و دیگر نشانی از ستم نباشد. او در همه داستان‌های این باب توصیه به رعایت عدالت می‌کند؛ همان عدالتی که آینده روشن بشریت در عمل کردن به آن شکل می‌گیرد. این ابیات نمونه‌ای از عدالت‌جویی سعدی است.

که مر قیمت خویش را	بشکنی
به جز کشته خویشان	ندروی
از اندازه بیرون وز	اندازه کم
جهان از تو گیرند راه	گریز
نه زجر و تطاول به	یکبارگی»
مثال برهمن	(همان: ۲۶۳)

از نظر سعدی کسی خوش‌تر و خوش‌حال‌تر از آدم خویشان‌دار نیست؛ آن‌که با خوب و زشت دیگران کاری ندارد.

که مردم ز دستت نییچند پای
کند نام زشتش به گیتی سمر
که در ملک‌رانی به انصاف زیست»
(همان: ۱۵۶)

«الا تا نییچی سر از عدل و رای
گریزد رعیت ز بیدادگر
از آن بهره‌ورتر در آفاق کیست؟

و معتقد است عدالت باید شامل حال همه آحاد مردم شود و گر نه عدالت مطلق وجود نخواهد داشت.

ابیات فوق نشان می‌دهد که سعدی در تبیین مفهوم عدالت بیش‌تر به جنبه‌های عملی عدالت توجه دارد

سعدی در کتاب بوستان در باب عدل آرزو می‌کند که در جهان عدل برقرار شود و ظلم و ستم در جهان نباشد. سعدی در بیش‌تر داستان‌ها به رعایت عدالت توصیه می‌کند، همان عدالتی که آینده روشن بشریت در عمل کردن به آن است. او آینده روشن بشریت و جهان را در گرو عمل کردن به اخلاقیات و فضایل می‌داند و مصداق آینده روشن و مدینه فاضله سعدی در کتاب بوستان او به چشم می‌خورد، زیرا بوستان، کتابی است که همه خوبی‌ها از قبیل عدل، احسان، عشق، تربیت و توبه در آن بحث شده و عمل کردن به توصیه‌هایی که در بوستان آمده، باعث در امان ماندن مردم از ظلم و روشن شدن آینده‌شان می‌شود و در آن به مسئله عدالت اشاره شده است.

اساس عالم مطلوب سعدی عدالت و دادگستری است، به تعبیر او «نگهبانی خلق و ترس خدای». به همین سبب نخستین و مهم‌ترین باب بوستان خود را بدین موضوع اختصاص داده است. وی فرمان‌روایی را می‌پسندد که روی اخلاص بر درگاه خداوند نهد؛ روز، مردمان را حکم‌گذار باشد و شب، خداوند را بنده حق-گزار، زیرا معتقد است کسی که از اطاعت خداوند سر نیچد هیچ کس از حکم او گردن نخواهد پیچید. پندهایی از زبان پدر به هرمز و نصیحت پدر به شیرویه نیز به منزله زمینه و طرحی است برای پدید آوردن چنین دادپیشگی و دنیایی.

«شنیدم که در وقت نزع روان

به هرمز چنین گفت نوشیروان

که خاطر نگه دار درویش باش

نه در بند آسایش خویش باش

خرابی و بدنامی آید ز جور

رسد پیش بین این سخن را به غور

بر آن باش تا هرچه نیت کنی

نظر در صلاح رعیت کنی»

(همان: ۱۵۵)

سعدی پیشرفت حکومت را متکی بر پیوند با مردم می‌داند. برای استقرار عدالت به عقیده او راه آن است که در هر کار صلاح رعیت در نظر گرفته شود. اشخاص خداترس را بر مردم بگمارند و به کسی که مردم از آنان در رنج‌اند کاری نسپارند. پیروزی در آن است که مردم راضی باشند و خوش دل. در جهان مطلوب سعدی، ستم و بیداد مذموم است. از این رو، کیفر دادن به عامل ظلم دوست بر فرمانروا واجب می‌نماید. در ولایتی که راهزنان قدرت یابند لشکریان را مقصر می‌داند و مسئول. در مدینه فاضله سعدی رعایت خاطر غریبان نیز به همان نسبت واجب است که ادای حق مردم بومی. بی‌سبب نیست که از زبان مردی در بر و بحر سفر کرده و ملل مختلف آزموده و دانش آموخته، بهترین صفت شهری را آسوده دلی مردم آن‌جا می‌شمرد. جهان‌داری موافق شریعت، مطلوب سعدی است و کشتن بدکاران را به فتوای شرع روا می‌داند.

هر قدر دادگری در جهان اندیشه سعدی مطلوب است و سودمند، بیداد زشت است و زیان خیز. جامعه عدالت پیشه‌ای که سعدی آرزومند است وقتی انسانی‌تر جلوه می‌کند که عاقبت بیدادگری در نظر گرفته شود. از این رو، گاه از سرنوشت دو برادر سخن می‌رود: یکی عادل و دیگری ظالم که اولی پس از مرگ پدر به واسطه عدل و شفقت در جهان نامور شد و دیگری ستم ورزید و دشمن بر او دست یافت.

برادر دو بودند از یک پدر	«شنیدم که در مرزی از باختر
که بی‌حد و مر بود گنج و سپاه	مقرر شد آن مملکت بر دو شاه
گرفتند هر یک یکی راه پیش	به حکم نظر در به افتاد خویش
یکی ظلم تا مال گرد آورد	یکی عدل تا نام نیکو برد
درم داد و تیمار درویش کرد	یکی عاطفت سیرت خویش کرد
نهادند سر بر خطش سروران	سر آمد به تأیید ملک از سران
بیفزود بر مرد دهقان خراج	دگر خواست کافزون کند تخت و تاج
به ناگاه دشمن بر او دست یافت»	چو اقبالش از دوستی سر بتافت

(همان: ۱۷۱)

از نظر سعدی سال‌ها حکومت با عدالت و بخشندگی ادامه پیدا می‌کند و از او نام نیک و یاد خوب برجا می‌ماند. پادشاهانی که به پرورش دین اهمیت می‌دهند، با قدرت ایمان و اعتقادات‌شان می‌توانند به موفقیت و حکومت خود ادامه دهند.

برفت و نکونامی از وی بماند	«به عدل و کرم سال‌ها ملک راند
به بازوی دین گوی دولت برند»	چنین پادشاهان که دین‌پرورند

(همان: ۱۶۳)

فرمانده‌ای عادل و نیکوکار بود که در هر دو سمت لباسش نشانه‌های خوبی را داشت. او به عدالت و رحمت نسبت به زیر دستان تأکید می‌کند و می‌گوید که تکیه بر زور و قدرت بی‌رحمانه نادرست است.

«شنیدم که فرماندهی دادگر
قبا داشتی هر دو روی آستر

یکی گفتش ای خسرو نیکروز
گفت اینقدر ستر و آسایش است
نه از بهر آن می ستانم خراج
چو هم چون زنان حله در تن کنم
مرا هم ز صدگونه آز و هواست
خزائن پر از بهر لشکر بود

ز دیبای چینی قبایی بدوز
وزین بگذری زیب و آرایش است
که زینت کنم بر خود و تخت و تاج
به مردی کجا دفع دشمن کنم
ولیکن خزینه نه تنها مراست
نه از بهر آذین و زیور بود»

(همان: ۱۶۴)

برای مردمی که نیکی و خوبی را دوست دارند، خداوند فرمانروایی عادل و خوش فکر عطا می کند. اگر بخواهد که جهانی نابود شود، سلطنت را به دست ظالمی می سپارد.

«به قومی که نیکی پسندد خدای
چو خواهد که ویران شود عالمی
دهد خسروی عادل و نیک رای
کند ملک در پنجه ظالمی»

(همان: ۱۷۱)

سعدی می گوید نگران صدای ناله و فریاد مردم نباش، ای خدا، تو از او طلب کن آن حق و حقوقی که مردم از او می خواهند. بی عدالتی و غیبت از دیگران فقط برای انسان های بد و بی رحم می تواند عواقب بد به همراه داشته باشد.

«کسی گفت حجاج خونخواره ای است
نترسد همی ز آه و فریاد خلق
دلش هم چو سنگ سیه پاره ای است
خدایا تو بستان ازو داد خلق»

(همان: ۲۶۷)

نتیجه گیری

با توجه به آنچه که مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت می توان چنین نتیجه گیری کرد که در بوستان سعدی توانمندی عدالت و فضیلت های: عدل و عدالت طلبی، انصاف و رهبری، کار گروهی در جهت توصیف یک زندگی مطلوب و برخوردار از هیجانات مثبت مطابق با نظریه مثبت نگر مارتین سلیگمن مطرح شده است. نتایج حاصل از این پژوهش ثابت می کند که آنچه که امروزه روان شناسان و اندیشه مندان غربی تحت عنوان

منابع

اسداللهی. خدابخش و برزگر ماهر. زینب (۱۴۰۳). بررسی تفکر مثبت در منطق الطیر عطار با تأکید بر الگوی مارتین سلیگمن. نشریه علمی سبک شناسی نظم و نشر فارسی (بهار/دب سابق). سال هفدهم. شماره چهارم. پی در پی ۹۸. صص ۴۷ - ۶۶.

مؤلفه های روان شناسی مثبت نگر ارائه نموده اند در آثار برجسته و سترگ ادبی ایران زمین از جمله بوستان سعدی با شواهد بسیار دلکش، نغز و پرمعنا مطرح شده است. از نتایج دیگر پژوهش می توان به این نکته اشاره نمود که تمامی فضایل اخلاقی که در بوستان سعدی حول محور داشتن زندگی مطلوب فردی و اجتماعی مطرح شده است، در سایه خرد عدالت و انسانیت استوار است.

پترسون، کریستوفر، سلیگمن، مارتین، (۱۳۹۵)، فضایل و توانمندی های شخصیت، ترجمه کوروش نامداری، تهران، یارمانا

سعدی. مشرف الدین مصلح بن عبدالله (۱۳۸۴). بوستان سعدی (سعدی نامه). تصحیح: غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.

کار، آلان. (۱۳۹۱). روان‌شناسی مثبت. مترجمان حسن‌پاشا شریفی و جعفر نجفی زند. تهران. نشر سخن

کیهان‌نیا، اصغر، (۱۳۸۲)، راز موفقیت در زندگی، تهران، نشر مادر.

سلیگمن، مارتین. (۱۳۸۸). فضایل و توانمندی‌های شخصیت. اصفهان. انتشارات یارمانا

عمده غیاثی، پشایی فخری، کامران، (۱۴۰۳)، مقاله‌ای با عنوان «بررسی جلوه‌ها و مضامین تمثیلی زندگی خوب بر اساس دیدگاه مارتین سلیگمن در بوستان و گلستان»، فصلنامه تحقیقات تمثیلی پوشهر، شماره ۶۴.

References

Emedeh Ghiyashi, Pashaei Fakhri, Kamran, (1403), "An article entitled "Investigating the allegorical manifestations and themes of the good life based on Martin Seligman's perspective in Bustan and Golestan", Bushehr Allegorical Research Quarterly, No. 64. (in Persian)

Kar, Alan. (2012). Positive Psychology. Translators Hassan Pasha Sharifi and Jafar Najafi Zand. Tehran. Sokhan Publishing(in Persian)

Kayhannia, Asghar, (2003), The Secret of Success in Life, Tehran, Madar Publishing

Asadollahi. Khodabakhsh and Barzegar Maher. Zeinab (1403). A study of positive thinking in Mantiq al-Tayr Attar with emphasis on Martin Seligman's model. Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Former Bahar Adab). Year 17. Issue 4. Serial 98. pp. 47-66.(in Persian)

Peterson, Christopher, Seligman, Martin, (1395), Virtues and Abilities of Personality, translated by Kouros Namdari, Tehran, Yarmana(in Persian)

Saadi. Mushraf al-Din Mosleh bin Abdullah (1384). Bustan Saadi (Saadi-nameh). Edited by Gholamhossein Yousefi. Tehran: Kharazmi. (in Persian)

Seligman, Martin. (1388). Virtues and Abilities of Personality. Isfahan. Yarmana Publications(in Persian)